

## تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عقیفی مطر

مسعود اقبالی<sup>۱</sup>

علی سلیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

متون کهن، به ویژه متون دینی، همواره سرچشمه‌ی اقتباس برای متون ادبی بوده است. این موضوع، در شعر معاصر، گسترش بیشتری یافته و در این میان، قرآن کریم نقشی بی بدیل ایفا نموده است به طوری که هر کدام از شاعران و ادیبان، به فراخور حال خویش، آثار خود را به آن آراسته‌اند. محمد عقیفی مطر، شاعر معاصر مصری، از جمله شاعرانی است که در شعر وی، نمونه‌های فراوانی از بینامتنی دینی، قرآنی به چشم می‌خورد. شیوه‌هایی مانند: نقل اشاری، اخذ مفهوم بدون تغییر، دگرگون ساختن معنا و ساختار آیه در شعر او به کار رفته است، این پژوهش با رویکردی انتقادی، تناص دینی، قرآنی در شعر او را بررسی نموده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش گویای آن است که در شعر وی، در کنار تناص‌های هنری ارزشمند، مواردی نیز وجود دارد که در آن‌ها شاعر، گاهی شأن انبیای الهی و امور قدسی را آن گونه که شایسته است، مراعات ننموده است.

**کلید واژه‌ها:** بینامتنی قرآنی، شعر معاصر، عقیفی مطر، نگاه انتقادی.

۱- دانشجوی دکتری گروه عربی، دانشگاه رازی.

۲- دانشیار گروه عربی، دانشگاه رازی. رایانامه: salimi1390@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۳/۲۸

## مقدمه:

قرآن کریم به عنوان ارزشمندترین متون دینی، چونان چشمه‌ای فیاض از تجارب و نصایح اخلاقی و اجتماعی، در طول تاریخ همواره الهام بخش ادیبان در آفرینش‌های ادبی بوده است؛ زیرا که این کتاب آسمانی از چونان ظرفیتی برخوردار است که شاعران و نویسندگان از این منبع پایان ناپذیر بهره‌ها برده‌اند. اما چه بسا برخی از شاعران معاصر، با علم به آگاهی مخاطبان از فهم متون دینی، به منظور قداست بخشیدن به آثار خود و اثبات چیره دستی‌شان، آیات و اندیشه‌های قرآن را زینت بخش اشعار خود قرار داده تا افزون بر تأثیرگذاری عمیق‌تر بر مخاطب، بر غنای اثر خود بیفزایند. از جمله این شاعران، عقیفی مطرح<sup>۱</sup> است که در جای جای دیوان خود به اقتباس از واژگان و مضامین آیات قرآن پرداخته تا به اصطلاح، رسالت شعری و نبوغ خود را به مخاطب القا کند، اما او در برخی موارد، خواسته یا ناخواسته، از مسیر درست تا حدودی دور شده است.

بینامتنی قرآنی، دینی و عرفانی در اشعار عقیفی مطرح و در دوران عمرش، با گذر زمان، رو به رشد و فزونی داشته، سیری صعودی طی کرده است. اوج آن، به سال‌های دهه ۷۰ و اواسط دهه ۹۰ باز می‌گردد که بیش از ۵۰ درصد از دیوان‌هایش را در بر می‌گیرد. این امر نشان دهنده توجه و عنایت خاص شاعر به منابع قدیم بوده است. به طوری که بینامتنی با متون کهن، یکی از ویژگی‌های با اهمیت در گفتمان شعری او به شمار می‌رود به گونه‌ای که فهم معانی و ساختارهای شعری او جز از طریق فهم تناس

۱- محمد عقیفی مطرح، شاعر مشهور مصری در روستای «رمله الانجب» در استان المنوفیه در سال ۱۹۳۵م به دنیا آمد. او تحصیلاتش را در رشته فلسفه ادامه داد و به عنوان معلم در مصر به کار مشغول شد. وی از مخالفان سرسخت انور سادات، رییس جمهوری سابق مصر بود و به همین دلیل مجبور شد تا پایان دهه هفتاد میلادی در عراق در تبعید به سر برد. او در سال ۱۹۹۱م به دلیل مخالفت با جنگ عراق در مصر بازداشت و روانه زندان شد. این امر باعث گردید تا حبسیات معروفی را از تجارب خود در زندان‌های مصر بسراید. وی سرانجام در سال ۲۰۱۰م و در سن ۷۵ سالگی به دلیل نارسایی کبدی در زادگاهش چشم از جهان فرو بست. عقیفی مطرح یکی از برجسته‌ترین شاعران جهان عرب است و از مهم‌ترین کتاب‌های شعر وی می‌توان به «ماه و گرسنگی»، «فاصله جای پاهای مورچه»، «رباعیات شادی»، «تو واحدی هستی که اعضایش متلاشی شده» و «نهری که رویش را می‌پوشاند» اشاره نمود. // <http://www.hama.com/showthread.php?t=۱۴۵۰۹>

تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عفیفی مطر ۶۷

در اشعارش میسر نیست (جبر شعث، ۴۵). شایان ذکر است که تناص عفیفی مطر در چندین زمینه صورت گرفته است که قرآن کریم، مفاهیم عرفانی و صوفیانه، اشعار قدیم عربی، شعر لورکا از جمله آنهاست.

### پیشینه‌ی تحقیق:

درباره تناص قرآنی در شعر شاعران معاصر، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، ولی اکثر آنها صرفاً به ذکر آیات قرآنی موجود در شعر پرداخته‌اند. درمورد عفیفی مطر نیز مقاله‌ای مفصل با عنوان «جمالیات التناص فی شعر عفیفی مطر» از دکتر احمد جبر شعث در جامعه‌ی الأقصی فلسطین نوشته شده که به تفصیل تناص‌های مختلف شعر قدیم و جدید، آیات قرآن و مفاهیم عرفانی را از زاویه زیبایی‌شناسی و تحلیل واژگان بررسی نموده است. همچنین مقاله « از شاکر عبدالحمید، چاپ مرکز تحقیقات علوم اسلامی که این اوضاع و مشقات و مقابله با مخالفانش، برای وی مقدور نیست، لذا این ناراحتی را، با اقتباس از قرآن کریم، چنین بیان می‌کند:

— —  
... ..  
(أنت واحدها، ۲۹۹)

ترجمه: آیا تو روح سرگردانت را در وصف شتران پیر و خرابه‌ها، درحالی که مشتاق به سوی کوچ کنندگان هستی، تباه می‌سازی؟ / افسوس که چشمانت از حسرت بر آنان سفید گشته و نابینا می‌شود.

او در این شعر، از آیات قرآن که همگی درباره پیامبر(ص) و بیان شخصیت و افکار و آراء ایشان بوده اقتباس نموده و در عبارت « ... .. » به داستان حضرت یعقوب اشاره دارد که در فراق حضرت یوسف بینایی‌اش را از دست داد و با این

بیان، اعلام می‌دارد که او نیز در این غربت، در حسرت دیدار وطن و همفکرانش می‌سوزد و در انتظاری عذاب آور به سر می‌برد.

عفیفی مطر در جای دیگر، سختی‌هایی که در راه سرایش شعر متحمل شده را به داستان حضرت مریم پیوند زده، خود را در هنگام تلاش برای سرودن شعر، به حضرت مریم تشبیه نموده؛ هنگامی که درد زایمان او را فرا می‌گیرد. او می‌گوید:

لو أجنُّ أو أموتُ  
لكنتُ - حين جاءني مخاضی الشعرى تحت جذع نخلة -

وجدتُ بعضَ تمرٍ  
أو كنتُ قد وجدتُ حوتنا الذى صحا بأى بحرٍ

(من مَجْمَعَةُ الْبَدَايَا، ۱۹۹۸م، ۲۰۵)

ترجمه: اگر دیوانه شوم یا بمیرم / وقتی درد زایمان شعر (شعر سرایی) زیر تنه درخت خرما می به سراغم آمد / اندک خرمایی را یافتم / یا این که ماهی مان را یافته بودم که در هر دریایی هوشیار است.

این ابیات، اشاره دارد به آیات قرآنی داستان حضرت مریم است که می‌فرماید:

(مریم/۲۳-۲۵). آیات قرآنی اشاره دارد به معجزه تولد حضرت عیسی مسیح

(ع) که در زندگی بشری نظیر آن تکرار نشده است؛ شاعر با بهره‌گیری از نص قرآنی، آنگاه که حال و هوای شعر سرایی (درد زاییدن شعر) او را فرا گرفته و او نیز به ناچار به سوی تنه درخت خرما پناه می‌برد تا اشعارش را در آنجا بسراید. شاعر، خود را در جایگاه حضرت مریم (علیها السلام) و حالات روحی - روانی وی تصور نموده است. به این تناص شاعر هم انتقاد وارد است، زیرا او نمونه‌ای نامناسب برگزیده است.

### فساد صاحبان قدرت و دعوت به مبارزه:

«در اقتباسی هنری و زیبا از آیه:

عفیفی مطر در قصیده »

« (نمل / ۳۴).

»

اوضاع نابسامان سرزمینش را وصف می‌کند که مشکلات آن را احاطه کرده است. به عقیده او، دمشق به عنوان سمبل کشورهای عربی، قبلاً همچون نوعروسی زیبا روی، در اوج جمال و عظمت بوده است، ولی اکنون بر اثر سیاست‌های نادرست، حکام ظالم و سلطه اجانب، فساد و تباهی همه جای آن را فراگرفته است:

..

«...»

»

....

(احتفالات المومیاء؛ ۷۳).

ترجمه: من پیکری هستم که فریاد در اعضایش سکنی می‌گیرند. من صدایی هستم که در پیکر ملت ساکن می‌شوم و ملت است که شهرها را دوباره می‌سازد (ولی آیا ندیدی که پادشاهان چون به شهری وارد شوند...؟) من پیشتر چهره دمشق و پاهایش را می‌شستم و او را سوار بر کجاوه عروسی می‌دیدم. آن دمشقی که مرا مطیع خود کرده و من در محیط آن سخن می‌گفتم و آنرا بر درخت قلب، چون اناری می‌بینم که شکوفه‌های سبزش نقاب زده اند.

در دیوان «ملاح من الوجه الامبیدوقلیسی» شاعر به افراد جامعه‌اش، رهایی از چنگال دشمنان و اعطای زندگی به دور از هیاهوی سیاسی همراه با نعمت‌ها و آسودگی‌ها را یادآور می‌شود و می‌گوید:

:

(جبر شعث، بی تا، ۵۹).

ترجمه: صدایی در چهارسوی عالم پیایی تکرار می شد که:

آیا در برابر من شمشیر برافراخته‌ای؟

من بودم که تو را در گرسنگی غذا داده و از بیم (دشمن) آسوده خاطر ساختم

این کلام اشاره دارد به آیه

(قریش/۴). در این ابیات، شاعر ضمائر آیه را از غائب به متکلم تغییر داده است، به گونه‌ای که گویی او این جمله را از صدایی از عالم غیب که بر قدرتی مافوق بشری دلالت دارد، می‌شنود. شاعر در این جا، علی‌رغم تغییر ضمائر، چون آنرا به صورت نقلی ذکر کرده و به قدرتی مافوق بشری که همان قدرت الهی است نسبت داده است و مهم‌تر از آن، معنای دلالتی آیه نیز تحریف نشده است، می‌توان گفت که تناسف قرآنی او تا حدودی قابل توجیه است.

شاعر در شعری دیگر، در تناسف قرآنی و با ایجاد معنایی متفاوت از آیات، دعوت به مبارزه علیه ستمگران می‌کند و می‌گوید:

( احتفالات المومئین، ۱۲۴ )

ترجمه: ویران سازید، ویران سازید، ویران سازید/ خداوند آنگاه که بر عرش استیلا یافت، گرسنگی در پیکره ملت دمید/ خوشه‌ها و خشم برافروخته، در آن می‌دمد/ ما برای آن ملت همچون پیامبران هستیم/ که کتابهای آسمانی ما از شهوت آب نازل می‌شود.

عبارت « تناسف از آیه » « طه »

(۵) است که احاطه یافتن و سلطه خداوند بر عرش کبرئیتی را نشان می‌دهد، که شاعر با افزودن. قید «المجاعات: گرسنگی‌ها»، این مفهوم را القا می‌کند که خداوند با احاطه یافتن

تحلیل انتقادی تناس دینی، قرآنی در شعر محمد عقیفی مطر ۷۱

بر عرش، گرسنگی که در پیکره بی جان ملت دمیده و به آنان زندگی و حیات دوباره بخشیده تا بتوانند در برابر ظالمان و دشمنان ایستادگی کنند.

### تصویر سازی نا مناسب از رستاخیز:

شاعر گاهی، با استفاده از آیات مربوط به روز رستاخیز و حتمیت آن، مفهومی متضاد با آن پدید آورده است، او در قصیده: « ... » چنین می گوید:

(احتفالات المومیاء، ۲۴۰)

ترجمه: چگونه از میان ابرهایی که همچون فلز گداخته شده‌اند، آذرخشی از خون بیرون می‌جهد و خرابه‌ها و قبرها را منور می‌کند/ روز حشر و نشر نمی‌آید، و هیچ شیپوری بر این وادی نمی‌دمد/ پس خواب شبانه مرا با آن اضطراب در خود غرق می‌کند/ ای ناپاکی‌های روی زمین، ابرهای گداخته برای سیرابی (زمین)، دیگر نمی‌بارند.

همان طور که در متن حاضر می‌بینیم، شاعر برای ترسیم ضعف قیام و خیزش مردمی و به تبع آن عدم ایجاد تغییرات و اصلاحات، از آیاتی که دلالت بر روز رستاخیز و معاد دارد استفاده نموده. (المعارج)

۹-۸/ وی با بیان « به آن آذرخشی که در روز رستاخیز از

ابرها به بیرون می‌جهد و در پی آن، آسمان همچون فلز گداخته فرو می‌ریزد، اشاره نموده است، اما با خلق معنای عکس از آن رخداد عظیم، به ترسیم ضعف بیداری و خیزش ملت‌ها در برابر ظلم و ستم اشاره نموده است. شاعر عبارت «

(یس)

« را از آیه

۵) اخذ کرده است. به نظر می‌رسد که انکار پژواک «نفسه صور» و نابودی زمین و آسمان‌ها در روز قیامت، به منظور بیان ضعف قیام مردم در برابر ستمکاران، تناصی ضعیف و نامناسب است که انتقاد به آن وارد است.

### مبالغه در بیان توان انسان:

عظمت و قدرت لایزال الهی، موضوعی است که شاعر گاهی آن را به کسی یا چیزی دیگری نسبت داده است. چنان که او در تناصی قرآنی، احاطه خداوند بر عرش را در حیطة قدرت انسان نهاده است و می‌گوید:

(احتفالات المومئین المتوحش، ۱۹۹۸م، ۳۴۸).

ترجمه: و گلی خشک (انسان) که دارای نعمت و بزرگی است، بر خشکی عرش و کرانه افق و آب استیلا یافت / صلابت صخره‌ها، راه‌هایش را می‌گشاید و تخته سنگ‌ها با فریادی (در برابرش) فرو می‌افتد.

و شاعر این مفهوم را از آیه شریفه

(طه / ۵-۶) اقتباس نموده است، ولی با نهادن

لفظ « » به جای « »، و با تصور قدرت لایزال الهی در اختیار انسان، تناصی نامناسب به وجود آورده است.

آن چه ذکر شد، نمونه‌هایی اندک از تناص‌های قرآنی فراوان در شعر عقیقی مطر است که در دیوان او یافت می‌شود. به نظر می‌رسد هر چند شاعر، در بسیاری از موارد، هنر نمایی کرده و با به کارگیری آیات، متون قدیم و حوادث تاریخی، معناهای نوینی پدید آورده است، اما گاهی نیز، شأن و جایگاه انبیای الهی و قدرت مطلق خداوندی و امور قدسی را آن گونه که شایسته است، مراعات ننموده است. هر چند در تناص، و در هنرترین نوع آن، همواره سخن از نفی متن غایب و خلق متنی متفاوت با آن و حتی

تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عقیفی مطر ۷۳

گاهی کاملاً متضاد با آن مطرح شده است، اما با وجود این، به نظر می‌رسد ضروری است که شاعر و ادیب در بینامتنی قرآنی، پیوسته بین متون بشری و متون مقدس دینی، مرز و تفاوت‌هایی قائل شود، چنان که خود قرآن دستور صریح داده که اهل ایمان، میان برخورد بین خود و برخورد با پیامبر (ص) تفاوت قائل باشند:

»

« (الحجرات/۲). »

به نظر می‌رسد این آیه شریفه که شیوه رفتار با پیامبر را ترسیم می‌نماید، در تناص- های قرآنی و دینی هم می‌تواند الگویی مناسب باشد که رعایت آن می‌تواند گونه‌ای زیبا و هنری از بینامتنی قرآنی پدید آورد. در مجموع، بینامتنی با قرآن و متون دینی در شعر نباید به گونه‌ای باشد که خواسته و ناخواسته، مفهومی خلاف آیه یاد شده از آن احساس شود.

#### نتیجه:

از آن چه بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱) عقیفی مطر با به کارگیری شخصیت‌ها و حوادث قرآنی، اثر ادبی خود را متمایز نموده، صفت ماندگاری به آن بخشیده است. اقتباس در ۱۴۳ مورد از آیات قرآن در قصایدش، نشانگر بسامد بالای تناص قرآنی در دیوان اوست. او به منظور ترسیم اوضاع نابسامان کشورش، گاهی با حفظ سیاق و ساختار آیات قرآن و گاهی با تغییر آن، اما به شکلی هنری، مفاهیمی نوین پدید آورده است. اما با وجود این، شاعر در برخی از موارد، در بینامتنی دینی، قرآنی، نمونه‌های متناسبی انتخاب نکرده، مراعات جایگاه و شأن امور قدسی را آن گونه که شایسته است، ننموده است و انتقادهای جدی به آن وارد است.

۲) از آنجایی که عقیفی مطر همواره به عنوان شاعری ضد استبداد و معتقد به دین جلوه کرده است، به نظر می‌رسد این گونه استفاده از آیات قرآنی را نمی‌توان دلیل بی‌اعتنایی او به مفاهیم دینی پنداشت، بلکه می‌توان آن را نوعی ساختار شکنی سبکی و مفهومی

در شعر وی به شمار آورد، اما در کل، انتقادی که به بینامتنی قرآنی او و دیگران شاعران معاصر وارد است، عدم مرزبندی میان متون دینی با متون بشری است، غالب این شاعران در موضوع ساختار شکنی سیکی، معنایی، با قرآن کریم و امور دینی به مانند دیگر آثار بشری رفتار می‌کنند.

### منابع و مأخذ:

- \_ قرآن کریم.
  - \_ آن، گراهام (۱۳۸۰ش)، بینامتنیت، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
  - \_ جبر شعث، احمد، جمالیات التناص فی شعر محمد عقیفی مطر، کلیه الآداب والعلوم الإنسانیة، جامعة الأقصى، فلسطین.
  - \_ الزعبی، أحمد (۱۹۸۲م)، التناص نظریاً و تطبیقياً، عمان، مؤسسه عمریه، ط ۲.
  - \_ ساسانی، فرهاد (۱۳۸۴ش)، عوامل مؤثر در تفسیر و فهم متن، زبان و زبانشناسی، سال اول، شماره دوم.
  - \_ عزام، محمد (۲۰۰۱م)، النص الغائب، اتحاد الکتاب العرب، دمشق.
  - \_ عقیفی مطر، محمد (۱۹۹۸م)، احتفالات المومیاء المتوحشه، قاهره، دار الشروق، ط ۱.
  - \_ ----- (۱۹۹۸م)، دیوان أنت واحدها و هی أعضاؤک انتشرت، دار الشروق، ط ۱.
  - \_ ----- (۱۹۹۸م)، دیوان من مجمره البدایات، قاهره، دار الشروق، ط ۱.
  - \_ الغدामी، عبدالله (۱۹۹۸م)، الخطیئه و التكفیر، الهیئه المصریه العامه للكتاب، مصر، ط ۴.
  - \_ کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱ش)، کلام و زمان، به سوی پسامدرن، ترجمه: پیام یزدانجو، نشر مرکز، تهران.
  - \_ مفتاح، محمد (۱۹۹۲م)، تحلیل الخطاب الشعری، استراتیجیه التناص، المركز الثقافی العربی، الدار البیضاء، بیروت.
  - \_ موسی، خلیل (۲۰۰۰م)، قراءات فی الشعر العربی الحدیث و العربی، اتحادالکتاب العرب، دمشق.
  - \_ وعداالله، لیدیا (۲۰۰۵م)، التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره، دار المنلاوی، ط ۱.
- منبع اینترنتی

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8904081469>  
<http://4-hama.com/showthread.php?t=14509>

مسعود اقبالی<sup>۱</sup>

علی سلیمی<sup>۲</sup>

Archive of SID

---

۱- طالب دكتوراه فى اللغة العربية و آدابها.

۲- استاذ مشارك بجامعة رازى.

[www.SID.ir](http://www.SID.ir)